دو فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ١٦)، بهار و تابستان ١٣٩٥، صص ١٧٣-١٩٨

ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی

سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی*

تاریخ دریافت: ٩٣/١٢/١٧
تاریخ پذیرش: ٩٤/١٠/٣٠

چکیده

اولین گام برای طراحی و تأسیس یک بانک اسلامی، شناخت کامل ماهیت و نقش بانک متعارف یا غربی است. به بیان دیگر تا موضوع به درستی شناخته نشود نمی‌توان حکم آن را به درستی استنباط کرد. تلقی کنونی که از ماهیت بانک در میان اندیشمندان حوزه بانکداری اسلامی وجود دارد آن است که بانک غربی یک نهاد واسطه مالی یا واسطه وجوه است که پس‌اندازهای مردم را به صورت سپرده و در مقابل پرداخت بهره یا ارائه خدمات جمع می‌کند و آنها را در قالب وام و در مقابل دریافت بهره در اختیار افراد متقاضی قرار می‌دهد. در این رویکرد آنچه با معارف اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد، قرض ربوی است و بر این اساس تمرکز مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از ترتیبات و قواعد بانک متعارف بوده است.

در این مقاله با بررسی تحولات بانک و ترتیبات حاکم بر آن و متون اقتصادی مرتبط با حوزه بانکداری نشان داده شده است که بانک متعارف، نهاد خلق پول در اقتصاد است و تقلیل آن به یک نهاد واسطه مالی همچون سایر نهادهای مالی تصویر صحیحی از ماهیت بانک ارائه نمی‌کند. با توجه به جایگاه و نقش پول در اقتصاد و آثار خلق پول بانک‌ها در آن، برای طراحی یک نظام بانکداری اسلامی ضروری است که این تلقی از ماهیت بانک مبنای مطالعات بانکداری اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

بانک، بانکداری اسلامی، خلق پول، نهاد واسطه مالی

طبقه‌بندی JEL: G21, G24

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران m.hosseini@ut.ac.ir

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

بیش از چهار دهه از تأسیس بانک‌های بدون ربا در کشورهای اسلامی می‌گذرد. بانک‌های بدون ربا یا بانک‌های اسلامی با هدف ابتنای فعالیت‌های بانک‌های متعارف (که پیشتر به جوامع اسلامی راه یافته بودند)[1] بر شریعت اسلام ایجاد شدند. در این راستا با توجه به حرمت شدید ربا در اسلام و حضور پر رنگ ربا در قواعد و ترتیبات بانکی، تمرکز اصلی مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از ترتیبات بانکداری متعارف قرار گرفت. در حال حاضر بانک‌های اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی حضور دارند.

قدم اول در اسلامی کردن بانک‌ها یا طراحی بانکداری اسلامی تحلیل ماهیت بانک و به بیان دیگر شناخت صحیح موضوع است. این که بانک چیست و نقش و کارکرد اصلی آنچه می‌باشد دلالت‌های مهمی در طراحی ترتیبات یک بانک اسلامی خواهد داشت. با توجه به حضور بانک‌های متعارف و برقراری نظام بانکداری غربی در کشورهای اسلامی، نوع نگاه اندیشمندان مسلمان از ماهیت بانک متعارف و جایگاه و وظایف آن در نظام اقتصادی دارند، نقش اساسی در شکل‌گیری مدل‌های بانکداری اسلامی و البته کارکرد و کارآیی آن در اقتصاد کشورهای اسلامی خواهد داشت. عدم درک صحیح از ماهیت بانک باعث خواهد شد که یا ساختار پیشنهادی کارایی نداشته باشد و یا مبتنی بر موازین اسلامی نباشد.

بر این مبنا، سؤال اساسی که می‌توان طرح کرد این است که تلقی و فهم اقتصاددانان مسلمان از ماهیت بانک و جایگاه آن در اقتصاد با آنچه بانک‌ها در واقعیت اقتصادی انجام می‌دهند، مطابقت دارد. در این مقاله تلاش خواهد شد تا نوع نگاه اقتصاددانان مسلمان به ماهیت بانک متعارف بر اساس آثار ایشان مورد بررسی قرار گرفته و مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد. بدین منظور در بخش دوم مقاله ماهیت بانک متعارف و جایگاه آن در نظام اقتصادی تحلیل خواهد شد. در بخش سوم نظرات

Archive of SID

www.SID.ir

اقتصاددانان و متفکران مسلمان درباره ماهیت بانک مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش پایانی این مقاله بر اساس مباحث بخش دوم و سوم، تحلیلی از ماهیت بانک در مطالعات اقتصادی اسلامی انجام خواهد شد.

۱. ماهیت بانک

برای بررسی ماهیت بانک متعارف از دو رویکرد می‌توان استفاده کرد. در رویکرد اول می‌توان به تاریخ مراجعه کرد و با بررسی تحولات بانک و ترتیبات حاکم بر آن به ماهیت بانک پی برد و در رویکرد دوم می‌بایست به متون اقتصادی اعم از آموزشی و پژوهشی رجوع کرد و با استفاده از آراء و نظریات اقتصاددانان ماهیت بانک را تحلیل کرد.

۱-۲. تحولات بانک در طول تاریخ

منشأ بانک‌ها به مکان‌هایی بر می‌گردد که در ابتدا به عنوان محلی برای حفظ مسکوکات و اشیاء قیمتی مردم استفاده می‌شدند. مردم برای تأمین امنیت پول‌های طلا و نقره خود، آنها را به عنوان امانت و در قبال پرداخت هزینه نگهداری به مکان‌هایی که برای این منظور ایجاد شده بود، می‌سپردند. به مرور زمان محافظان مسکوکات طلا و نقره دریافتند که می‌توانند با در نظر گرفتن زمان احتمالی مراجعه صاحبان مسکوکات طلا و نقره، آنها را در قبال بهره به افراد متقاضی وام دهند. در این شرایط با توجه به ماهیت پول که در آن دوره به صورت مسکوک فلزی بود، این عملیات اثر حقیقی بر اقتصاد نداشت، چرا که تنها منابع پولی از یک فرد به فرد دیگر انتقال می‌یافت (جکسون و دی‌سون[۲]، ۲۰۱۲، ص۳۲). چنین نهادی به عنوان یک نهاد واسطه مالی عمل می‌کرد و وجوهی را از فرد یا افرادی به افرادی دیگر انتقال می‌دهند. اما آیا ماهیت بانک‌های مدرن با این بانک‌های اولیه یکی است؟

محافظان یا همان بانکداران اولیه در مقابل مسکوکات سپرده‌گذاری شده رسیدهایی به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کردند که به مرور زمان به عنوان وسیله مبادله (پول) رواج

Archive of SID

www.SID.ir

یافت. حمل و نقل این رسیدهای کاغذی نسبت به مسکوکات فلزی هزینه‌های بسیار کمتری داشت. تا زمانی که حجم رسیدها (اسکناس‌ها) با حجم مسکوکات فلزی در بانک‌های اولیه برابر بود، این بانک‌ها ماهیت واسطه‌گری مالی خود را حفظ کرده بودند (فیشر[۳]، ۱۹۳۶، ص۱۱). معتقد است که بانکداری سپرده‌ای[٤] اولیه مبتنی بر اصل ۱۰۰٪ (برابری ذخایر و رسیدهای منتشر شده) بوده است و بانک آمستردام در قرن ۱۷ چنین رویه بانکی را دنبال می‌کرده است. این بانک دریافته بود که در هر لحظه از زمان به اندازه پول بانکی[٥] که منتشر کرده، در صندوق بانک پول مسکوک[٦] داشته باشد.

تبدیل رسیدهای کاغذی به واسطه مبادله و رواج آن، بانک‌های اولیه را بر آن داشت که بیش از موجودی یا ذخیره مسکوک فلزی خود، اقدام به انتشار رسید (اسکناس) کنند. از این پس دیگر وام‌دهی بانک‌ها محدود به میزان سپرده یا وجوه تجمیع شده آن‌ها نبود و بانک‌ها می‌توانستند در صورت وجود تقاضا اقدام به انتشار رسید (اسکناس) کنند که همان کارکردهای پول‌های فلزی را داشت. در این شرایط بانک‌ها ماهیت جدیدی پیدا کردند. بانک‌های جدید علاوه‌بر سپرده‌پذیری و وام‌دهی، پول (واسطه مبادله) اقتصاد را نیز خلق می‌کردند.

با توجه به ماهیت جدید بانک‌ها (امکان خلق پول) و آثاری که انتشار یا خلق پول می‌توانست بر اقتصاد کشورها داشته باشد، برخی از صاحب‌نظران اقتصادی به دنبال تنظیم‌گری[۷] فعالیت‌های بانک‌های جدید بودند. در قرن ۱۹ در انگلستان، علاوه‌بر مسکوکات فلزی، از اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک‌های خصوصی و همچنین سپرده دیداری در مبادلات استفاده می‌شد. «مباحثه شمش‌گرایی[۸]» عنوانی است که به صورت سنتی به مجموعه مباحثاتی که درباره نظریه و سیاست پولی در انگلستان در سال‌های ۱۷۹۷ تا ۱۸۲۱ رخ داد، اطلاق می‌شود. شمش‌گرایان معتقد بودند علت اصلی وضعیت اقتصادی آن دوره انگلستان – افزایش نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش قیمت طلا– انتشار بی‌رویه اسکناس توسط بانک‌ها بوده است. بنابراین برای

Archive of SID

www.SID.ir

جلوگیری از انتشار بی‌رویه اسکناس توسط بانک‌ها، می‌بایست آنها را ملزم کرد که اسکناس‌های منتشر شده خود را در صورت تقاضای دارنده آن، به مسکوک طلا تبدیل کنند (لیدلر[۹]، ۱۹۹۲، ص۲۵۵). الزام تبدیل اسکناس تا حدودی انتشار اسکناس یا خلق پول توسط بانک‌ها را محدود می‌کرد.

طرفداران مکتب پولی[۱۰] در ادامه مباحثی که شمش‌گرایان مطرح کرده بودند، اعتقاد داشتند نظام استاندارد طلا تنها از طریق تبعیت کامل از "اصل پولی[۱۱]" -هماهنگی و تناظر یک به یک میان انبساط و انقباض اسکناس و تغییرات ذخایر طلا- محقق می‌شود. طرفداران مکتب پولی بر خلاف شمش‌گرایان که تنها قابلیت تبدیل[۱۲] را برای جلوگیری از انتشار بیش از اندازه اسکناس کافی می‌دانستند، علاوه‌بر قابلیت تبدیل، مقررات‌گذاری شدید حجم اسکناس‌های بانکی را هم ضروری می‌دانستند (هامفری[۱۳]، ۱۹۷٦). تنظیمات مورد نظر شمش‌گرایان اگر چه انتشار اسکناس (پول) توسط بانک‌ها را محدود می‌کرد، اما به آن‌ها امکان خلق پول بیش از ذخایر طلایشان را می‌داد. اما اصل پولی که توسط طرفداران مکتب پولی مطرح شد به معنای آن بود که بانک‌ها تنها واسطه مالی باشند و امکان خلق پول نداشته باشند. تلاش‌های طرفداران مکتب بانکی منجر به آن شد که در سال ۱۸٤٤، در دوره نخست وزیری رابرت پیل[۱٤] در انگلستان، بر اساس قانون تمام بانک‌ها به جز بانک انگلستان[۱۵] از انتشار اسکناس منع شدند.

اما آنچه مکتب پولی به دنبال آن بود، یعنی عدم خلق پول توسط بانک‌ها و ایفای نقش واسطه‌گری توسط بانک‌ها با قانونی که قانون پیل معروف شد، محقق نشد چرا که آن‌ها تلقی صحیحی از پول نداشتند. فون مایزز[۱٦] بر این اساس انتقادی به مکتب پولی[۱۷] و قانون پیل ۱۸٤٤ وارد می‌کند و می‌گوید: «قانون بانکی پیل ۱۸٤٤ و قوانین شبیه آن، بیانگر تلاش‌هایی هستند تا به نوعی نظام استاندارد طلای خالص را ایجاد کنند. اما تلاش‌های ایشان ناکافی است، چرا که محدودیت‌های آنها تنها برای اسکناس‌های[۱۸] در

Archive of SID

www.SID.ir

جریان است و حساب‌های بانکی که می‌توان از طریق چک از آنها برداشت کرد را در نظر نمی‌گیرند. بنیان‌گذاران مکتب پولی شباهت ذاتی میان پرداخت از طریق چک و پرداخت از طریق اسکناس درک نکردند» (فون میزز[۱۹]، ۱۹۹۰، ص۹۰).

هایک نیز در انتقادی مشابه به مکتب پول بیان می‌کند: «مکتب پولی امیدوار بود تا تنظیم و مقررات‌گذاری انتشار اسکناسی که پیشنهاد داده بود، از نوسانات ادواری جلوگیری کند. اما از آن‌جا که ایشان تنها به اثرات انتشار اسکناس توجه کردند و از پول سپرده‌ای[۲۰] غافل شدند، قانون بانکی پیل و قانون بانک مرکزی مبتنی بر آن نمی‌تواند به آن هدف دست یابد. چنانچه محتوای اصلی قانون پیل به شکلی سازگار به صورت ذخیره ۱۰۰ درصدی طلا برای سپرده‌های بانکی به مانند اسکناس‌ها توسعه یابد، مسئله جلوگیری از وقوع بحران‌ها راه‌حلی اساسی خواهد یافت.» (دی سوتو[۲۱]، ۲۰۱۲، ص۷۲٤).

نکته اساسی که فون مایزز و هایک به آن اشاره می‌کنند این است که سپرده‌های بانکی نیز به مانند اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک‌ها، پول محسوب می‌شود و چنانچه مکتب پولی به دنبال حذف امکان خلق پول توسط بانک‌های تجاری بوده است می‌بایست، اصل پولی را برای سپرده‌های بانکی تعمیم دهد. به بیان دیگر در قانون پیل بانک‌های تجاری به طور کامل از خلق پول منع نشدند، چرا که امکان خلق پول از طریق وام‌دهی و ایجاد سپرده‌های دیداری کماکان در چارچوب قانون برایشان وجود داشت. نکته اساسی دیگر هایک به آن اشاره می‌کند اثر خلق پول بانک‌ها بر نوسانات ادوار تجاری است.

پس از قانون پیل انتشار اسکناس توسط بانک‌های تجاری در انگلستان و به تدریج در سایر کشورهای دنیا پایان یافت و با پیدایش بانک‌های مرکزی در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در حال حاضر در ایران و سایر کشورهای جهان نظام بانکداری با ذخیره جزئی[۲۲] جریان دارد که در آن هم بانک مرکزی و هم بانک‌های تجاری امکان خلق پول

Archive of SID

www.SID.ir

دارند. از این جهت به این چارچوب نظام بانکداری با ذخیره جزئی می‌گویند کـه در آن بانک‌های تجاری موظف هستند که جزء یا درصدی از سپرده‌ها را به صورت ذخـایر در حسابی نزد بانک مرکزی نگه دارند. به بیان دیگر می‌بایست نسـبت سـپرده‌هـای بانـک تجاری نزد بانک مرکزی (ذخایر) به کل سپرده‌های خلق شده توسـط بانـک تجـاری از نرخ یا نسبتی که بانک مرکزی تعیین می‌کند پایین‌تر نرود. ایـن نسـبت یکـی از عوامـل محدود کننده میزان خلق سپرده (پول) توسط بانک‌های تجاری محسوب می‌شود.

در نظام بانکداری با ذخیره جزئی بانک مرکزی پول بیرونی[۲۳] یا پـول پرقـدرت[۲۴] و بانک‌های تجاری پول درونی[۲۵] یا پـول سـپرده‌ای[۲۶] منتشـر مـی‌کننـد. فعـالان اقتصـادی خریدهای خـرد و جزئـی خـود را بـا اسـکناس منتشـر شـده توسـط بانـک مرکـزی و خریدهای کلان خود را از طریق کارت‌های بانکی و یا چک (انتقال سپرده‌های دیداری) انجام می‌دهند.

۲-۲. ماهیت بانک در متون اقتصاد متعارف

در متون اقتصادی دو رویکرد درباره ماهیت بانک یافت می‌شود. در کتب درسی اقتصـاد بیان می‌شود که بانک یک نهاد واسطه مالی است. بـه عنـوان نمونـه میشـکین[۲۷] (۲۰۰٤، ص۳٤) در کتاب «اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی[۲۸]» خـود کـه بـه عنـوان مـتن درسی در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شود، بانک را جزء واسطه‌های مـالی[۲۹] طبقه‌بندی می‌کند که سپرده‌ها را از افراد و نهادها می‌پذیرند و از سـوی دیگـر وام اعطـا می‌کنند. بانک‌های تجاری با از طریق ایجاد سپرده‌های دیداری، سپرده‌های پـس‌انـداز و سپرده‌های مدت‌دار به جمع‌آوری وجوه مـی‌پـردازد و از آن‌هـا بـرای اعطـای وام‌هـای تجاری، مصرفی و مسکن و یا خرید اوراق بهادار دولتـی و اوراق قرضـه شـهرداری‌هـا استفاده می‌کنند.

این تلقی از ماهیت بانک ناشی از نوع نگاه بـه چگـونگی و نحـوه ورود پـول‌هـای سپرده‌ای به اقتصاد (خلق پول بانک‌های تجاری) است. در این رویکرد کـه بـه رویکـرد

Archive of SID

www.SID.ir

ضریب فزآینده پولی[۳۰] معروف است، فرایند خلق پول با سپرده‌گذاری یک فعال اقتصادی در بانک آغاز می‌شود. به عنوان نمونه فردی (۱۰۰ هزار ریال) در بانک «الف» سپرده‌گذاری می‌کند. بانک «الف» که تحت نظام ذخیره جزئی فعالیت می‌کند، بخشی از سپرده (۱۰هزار ریال) -بر اساس نرخ ذخیره قانونی (به عنوان مثال ۱۰٪) که بانک مرکزی تعیین کرده است- به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه (۹۰ هزار ریال) را وام می‌دهد. اعطای وام از طریق افزایش موجودی حساب وام‌گیرنده در بانک «الف» صورت می‌گیرد و حجم سپرده‌ها به ۱۹۰ هزار ریال (۱۰۰ هزار ریال سپرده اولیه + ۹۰ هزار ریال سپرده که از طریق وام ایجاد شده است) افزایش می‌یابد. بانک الف ۱۰٪ سپرده جدید را به عنوان ذخیره نگه می‌دارد و ۸۱ هزار ریال دیگر را وام می‌دهد. در این شرایط حجم سپرده‌های بانک به ۲۷۱ هزار ریال افزایش خواهد یافت. در مدل ساده این روند به همین صورت ادامه می‌یابد و در نهایت حجم سپرده‌های بانکی یک میلیون ریال (حاصل‌ضرب عکس نرخ ذخیره قانونی(۱۰٪) در سپرده اولیه (۱۰۰ هزار ریال) افزایش می‌یابد (منکیو[۳۱]، ۲۰۱۱، صص٤٤٥-٤٤٦).

بر اساس رویکرد ضریب فزاینده، بانک‌ها واسطه مالی هستند، چرا که پول‌هایی که در آن‌ها سپرده‌گذاری شده است را وام می‌دهند و در این فرایند پول جدید خلق می‌شود. به بیان دیگر بانک میان سپرده‌گذار و وام‌گیرنده نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲، ص٧٦) می‌گویند که در رویکرد ضریب فزاینده اینگونه بیان می‌شود که بانک‌ها می‌بایست صبر کنند تا فردی اقدام به سپرده‌گذاری کند تا پس از آن و بعد از کسر ذخیره قانونی اقدام به وام‌دهی کنند. در حقیقت آن‌ها [بانک‌ها] تنها واسطه‌هایی[۳۲] هستند که به صورت منفعلانه نسبت به رفتار مشتریان خود واکنش نشان می‌دهند. وام‌دهی بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری مشتریان است» در این چارچوب نرخ ذخیره قانونی نقش اساسی دارد و با کاهش و افزایش آن قدرت و امکان خلق پول بانک‌ها تغییر می‌کند.

Archive of SID

www.SID.ir

اما بسیاری از اقتصاددانان و بانکداران معتقدند آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، متفاوت از روندی است که در قالب رویکرد ضریب فزاینده توضیح داده می‌شود. گودهارت[۳۳] (۱۹۸٤) رویکرد ضریب فزاینده‌ای به خلق پول را یک روش ناکامل در توضیح فرایند تعیین حجم پول در اقتصاد می‌داند. مور[۳٤] (۱۹۸۳) بیان می‌کند که در دنیای واقعی بانک‌ها ابتدا اعتباردهی (خلق سپرده) را گسترش می‌دهند و سپس به دنبال ذخایر می‌گردند. بیان مور دلالت بر این دارد که وام‌دهی یا خلق پول بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری مشتریان در بانک‌ها نیست.

جکسون و دی‌سون (۲۰۱۲، ص۷۸) رویکرد رقیب نگاه ضریب فزاینده به وام‌دهی و خلق پول بانک‌ها را نظریه پول درون‌زا[۳۵] معرفی می‌کند. نظریه پول درون‌زا توضیح می‌دهد که بر خلاف آنکه بانک منتظر یک سپرده‌گذار باشد که با خود پول جدیدی وارد بانک کند، تحت محدودیت‌های مشخص بانک‌ها می‌توانند هر زمان که بخواهند وام دهند. از طریق فرایند وام‌دهی است که بانک‌ها سپرده جدید خلق می‌کنند و عرضه پول در اقتصاد را افزایش می‌دهند.

در این چارچوب بانک با اعطای وام در واقع سپرده جدید خلق می‌کند. سپرده جدید، بدهی بانک محسوب شده و در طرف بدهی‌های ترازنامه بانک ثبت می‌گردد. از سوی دیگر وام پرداخت شده جزء مطالبات بانک از مشتری است و دارایی بانک محسوب می‌گردد و در طرف دارایی‌های ترازنامه ثبت می‌شود. به عنوان نمونه چنانچه بانک الف وامی به ارزش ۹۰۰ هزار ریال به بنگاه ج پرداخت کند، تغییرات زیر در ترازنامه بانک الف صورت می‌گیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۱): ترازنامه بانک الف

دارایی‌ها		بدهی‌ها	
وام‌ها	۹۰۰ هزار ریال	سپرده‌ها	۹۰۰ هزار ریال

در اینجا ممکن است این سؤال پیش بیاید که چنانچه بانک بدون وجود سپرده‌پیشین وام دهد و سپرده جدیدی ایجاد کند، ذخایر مورد نیاز با توجه به نرخ ذخیره قانونی تعیین شده توسط بانک مرکزی را از کجا می‌آورد. برای تأمین ذخایر بانک سه راه دارد. راه اول آن است که این ذخایر را از طریق سپرده‌هایی که مشتریان می‌آورند، تأمین کند. بدیهی است که عدم توقف وام‌دهی بانک‌ها بر سپرده پیشین به معنی این نیست که بانک سپرده نپذیرد. راه دوم برای تأمین ذخایر آن است که از طریق بازار بین بانکی از بانک‌هایی که مازاد ذخایر دارند، قرض بگیرد و در نهایت می‌تواند از بانک مرکزی استقراض کند. در این چارچوب بیان می‌شود که چون خلق پول بانک‌ها متوقف بر سپرده اولیه نیست، حتی اگر نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪ باشد، باز هم بانک‌ها امکان خلق پول را دارند.

بر اساس نظریه پول درون‌زا، بانک دیگر لزوماً یک نهاد واسطه مالی نیست، چرا که وام‌دهی و خلق پول بانک متوقف بر وجود سپرده نیست و بانک می‌تواند مستقلاً اقدام به خلق پول جدید در اقتصاد کند. شومپیتر[۳۶] (۱۹۱۲، ص۱۹۷؛ به نقل از ورنر (۲۰۱٤)) بیان می‌کند که بانکدار یک واسطه [مالی] نیست، بلکه تولیدکننده[۳۷] اعتبار است. به بیان دیگر او [بانکدار] به تنهایی قدرت خریدی[۳۸] را که به کارفرما وام می‌دهد را خلق می‌کند. می‌توان اینگونه بیان کرده که بانکدار بدون اینکه گناه بزرگی مرتکب شود، پول خلق می‌کند».

شواهد تجربی نیز تأیید می‌کند که بانک‌ها واسطه مالی نیستند. ورنر[۳۹] (۲۰۱٤) با توجه به وجود اختلافات نظری که در خصوص ماهیت بانک وجود دارد، به دنبال انجام یک آزمایش تجربی جهت روشن شدن ماهیت بانک بر اساس عملیات وام‌دهی

Archive of SID

www.SID.ir

بانک‌ها در واقعیت است. بر این اساس او بر اساس داده‌های حسابداری یک بانک در طول فرایند وام‌دهی نظریات رقیب را مورد آزمون قرار می‌دهد. بررسی او نشان می‌دهد که در فرایند وام‌دهی، بانک وجوه را از حساب‌های دیگر داخلی یا خارجی به حساب وام‌گیرنده انتقال نمی‌دهد بلکه وجوه را از طریق افزایش اعتبار (موجودی) حساب وام‌گیرنده ایجاد (خلق) می‌کند. این یافته ماهیت بانک به عنوان یک نهاد خلق پول را تأیید می‌کند. بر این اساس او وجه تمایز بانک‌ها از سایر مؤسسات و نهادهای مالی غیربانکی در این می‌داند که بانک‌ها امکان خلق پول از هیچ[۴۰] را دارند.

در انتهای این بخش اینگونه می‌توان جمع‌بندی کرد که رویکرد ضریب فزاینده پولی که بانک‌ها را واسطه مالی صرف می‌داند، با آنچه بانک‌ها در واقعیت انجام می‌دهند، فاصله دارد. خلق پول بانک‌ها در نظام ذخیره قانونی جزئی، آنچنان که در رویکرد ضریب فزاینده مطرح می‌شود، متوقف بر جذب سپرده نیست، بلکه بانک‌ها می‌توانند مستقلاً اقدام به اعطای وام و به بیان دیگر خلق سپرده کنند. بر این اساس بانک‌ها صرفاً نهاد واسطه مالی نیستند که میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان واسطه شوند، بلکه به عنوان نهاد خلق پول مطرح هستند. بانک مرکزی انگلستان نیز در گزارشاتی که به چاپ می‌رساند، بر ماهیت بانک‌ها به عنوان نهاد خلق پول تأکید می‌کند.

مک‌لی و دیگران[۴۱] (۲۰۱٤) در مقاله‌ای که توسط بانک انگلستان[۴۲] -که بانک مرکزی انگلستان محسوب می‌شود- چاپ شده است، بر عدم انطباق رویکرد ضریب فزاینده به خلق پول بانک‌ها و ماهیت واسطه مبادله بودن آن‌ها با عملکرد بانک‌ها در واقعیت تأکید می‌کند: «یکی از تصورات غلطی که درباره بانک‌ها شایع است، این می‌باشد که بانک‌ها همچون واسطه‌های مالی عمل می‌کنند، یعنی سپرده‌هایی که پس‌اندازکنندگان در اختیار آن‌ها قرار داده‌اند را وام می‌دهند. در این نگاه سپرده‌ها توسط تصمیمات خانواده‌ها بر پس‌انداز خلق می‌شوند و سپس بانک‌ها این سپرده‌ها را

Archive of SID

www.SID.ir

به متقاضیان –به عنوان نمونه شرکت‌هایی که به دنبال تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌شان هستند و یا افرادی که می‌خواهند مسکن بخرند– وام می‌دهند. آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد آن است که بانک‌ها ابتدا تصمیم می‌گیرند بر اساس فرصت‌های وام‌دهی که در پیش‌رو دارند، به چه میزان وام دهند. نتیجه این تصمیم وام‌دهی بانک‌ها است که حجم سپرده‌های بانکی را تعیین می‌کند». در واقع آنچه مک‌لی و دیگران (۲۰۱٤) بیان می‌کنند، آن است که آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، دقیقاً عکس آن چیزی است که توسط رویکرد ضریب فزاینده توضیح داده می‌شود. به بیان دیگر این سپرده‌ها نیستند که باعث ایجاد وام می‌شوند، بلکه این وام‌ها هستند که سپرده‌های جدید ایجاد می‌کنند.

۳. ماهیت بانک در مطالعات بانکداری اسلامی

جملاتی –البنک ما البنک و ما ادراک ما البنک– از سید جمال‌الدین اسدآبادی در باب ماهیت بانک مشهور شده است که بسیار قابل تأمل می‌باشد. او که جزء پیشگامان در عرصه اصلاح دینی در کشورهای اسلامی می‌باشد، در سفر به غرب و مواجهه با بانک، عبارت‌هایی را بیان می‌کند که نشان دهنده پیچیدگی ماهیت این پدیده مدرن است. اندیشمندان متعددی در دهه‌های اخیر در زمینه بانک‌داری اسلامی مطالعاتی داشته‌اند و آثاری منتشر کرده‌اند. با استفاده از مباحث بخش دوم درباره ماهیت و جایگاه بانک در اقتصاد، در این بخش تلقی و نگاه برخی از اندیشمندان حوزه بانکداری اسلامی در خصوص ماهیت بانک متعارف بررسی خواهد شد.

بدون شک شهید سیدمحمدباقر صدر یکی از پیشگامان و تأثیرگذارترین اندیشمندان اسلامی در حوزه مطالعات بانکداری اسلامی است. شهید صدر (۱۳۸۸) در کتاب «البنک اللاربوی» یا همان بانکداری بدون ربا به دنبال ترتیبات بانکی بوده است که در آن ربا نباشد. در این کتاب شهید صدر بحث مستقلی درباره ماهیت بانک متعارف یا ربوی ندارد؛ اما در متن کتاب عبارت‌هایی از سوی شهید صدر بیان شده است که تلقی ایشان را از بانک یا همان بانک ربوی مشخص می‌کند. «مهمترین فعالیت‌های

Archive of SID

www.SID.ir

بانک ربوی، عبارت از قرض‌گرفتن با بهره یا بدون بهره و سپس قرض دادن با بهره بالاتر است و درآمد بانک ربوی از تفاوت بین دو نرخ بهره حاصل می‌شود. اهمیت بانک ربوی در اقتصاد کنونی ناشی از توانایی آن در جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان به وسیله بهره اعطایی به سپرده‌گذاران و ارائه سرمایه‌ها به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در قالب اعطای قرض به فعالان اقتصادی و طرح‌هایی که نیاز به تأمین مالی دارند، می‌باشد» (صدر، ۱۳۸۸، ص۳۱). در این عبارت اگرچه ماهیت بانک به صورت مشخص بیان نشده، اما مهمترین فعالیت بانک را نقش واسطه‌گری بانک میان سپرده‌گذار و وام‌گیرنده می‌داند. شهید صدر در الگویی پیشنهادی خود از بانک بدون ربا تغییراتی از حیث رابطه سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار با بانک ایجاد می‌کند، اما خود تأکید دارد که در این چارچوب نیز نقش واسطه‌گری بانک حفظ می‌شود. او یکی از ویژگی‌های اصلی الگوی بانکداری بدون ربا را گرایش به حفظ ماهیت واسطه‌گری و جایگاه قانونی آن در نقشی که بین سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بازی می‌کند، می‌داند» (صدر، ۱۳۸۸، ص ۲٦). بر این اساس از منظر شهید صدر بانک ربوی یک نهاد مالی است که نقش اساسی آن واسطه‌گری میان سپرده‌گذاران و فعالان اقتصادی متقاضی تأمین مالی می‌باشد. نکته حائز اهمیت آن است که شهید صدر به بحث خلق پول بانک در قالب رویکرد ضریب فزاینده پولی و یا رویکرد پول درون‌زا اشاره‌ای نکرده است.

توتونچیان (۱۳۷۹) که در تدوین قانون بانکداری بدون ربای ایران نقش اساسی داشته است در کتاب «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری» درباره ماهیت پول، سرمایه، سود و بهره مستقلاً بحث کرده است، اما بحثی از ماهیت بانک در نظام سرمایه‌داری ندارد. او در فصل سوم کتاب خود و در ذیل عنوان نحوه عمل بانکداری سرمایه‌داری و اسلامی به ماهیت واسطه‌گری بانک ربوی اذعان می‌کند «بانک ربوی از یک طرف وام می‌گیرد و از طرف دیگر وام می‌دهد، یعنی در ماهیت حقوقی

Archive of SID

www.SID.ir

پول هیچ‌گونه تغییری ایجاد نمی‌کند، بنابراین واسطه وجوه است (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص۳۹٦).

توتونچیان (۱۳۷۵، صص٦۱-٦۳) در کتاب پول و بانکداری خود، خلق پول بانک‌ها را بر اساس رویکرد ضریب فزاینده پولی با عنوان تسلسل «سپرده – وام» طرح می‌کند و بر نقش تغییرات نرخ ذخیره قانونی در کاهش یا افزایش آزادی عمل بانک‌ها در اعطای وام –خلق سپرده جدید- را تأکید می‌کند. همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، خلق پول بانک‌های تجاری متعارف در این چارچوب با ماهیت بانک به عنوان واسطه مالی سازگار است.

البته توتونچیان ماهیت حقوقی بانک اسلامی را متفاوت از بانک ربوی می‌داند. از منظر او بانک اسلامی واسطه وجوه نیست، بلکه یک مؤسسه تأمین مالی می‌باشد که وکیل سپرده‌گذار و شریک سرمایه‌گذار می‌باشد. بانک اسلامی به نیابت از طرف سپرده‌گذاران مسلمان، بخشی یا تمام سرمایه مورد نیاز متقاضیان را تأمین می‌کند. بانک اسلامی نمی‌تواند مانند بانک ربوی واسطه وجوه باشد زیرا این بانک جز در مورد قرض‌الحسنه به هیچ شخص حقیقی یا حقوقی وام نمی‌دهد بلکه بر اساس تقاضای متقاضی و به استناد طرح‌های سرمایه‌گذاری او آن‌ها را تأمین مالی می‌کند. (توتونچیان، ۱۳۷۹، صص۳۹۹-٤۰۰).

میرآخور (۱۳۷۱، ص۱۸۱) نیز در بیان ماهیت بانک متعارف، به واسطه‌گری مالی و البته تنظیم نظام پرداخت‌ها اشاره می‌کند «در نظام اسلامی اگر چه وظایف بانک‌ها شبیه به وظایف آنها در نظام بانکداری سنتی است، لیکن به هر حال باید احکام شرعی را رعایت کنند. بدین معنی که بانک‌ها به عنوان نظم دهنده نظام پرداخت‌ها و نیز واسطه-های مالی عمل می‌کنند».

موسویان نیز در کتاب «بانکداری اسلامی» بحث مستقلی در باب ماهیت بانک در نظام اقتصادی ندارد، اما معتقد است که «بانک در نظام بانکداری سنتی مصداق روشن

Archive of SID

www.SID.ir

واسطه وجوه می‌باشد» (موسویان، ۱۳۷۸، ص٤٢). او بانک تجاری را اینگونه تعریف می‌کند: «بانک تجاری مؤسسه مالی است که با هدف کسب سود وجوه مردم را تحت انواع مختلف سپرده دریافت کرده و به اشکال مختلفی چون وام، اعتبار، خرید و فروش اوراق بهادار و... مصرف می‌کند (موسویان، ۱۳۷۸، ص۱۸).

موسویان (۱۳۷۸، ص۲۲۷) معتقد است که با تحریم ربا و الغاء قرض با بهره غالب معاملات بانک ماهیت حقوقی خود را تغییر می‌دهند و به تناسب آن ماهیت بانک که در حقیقت بازتاب ماهیت معاملات آن است تغییر می‌کند. بر این اساس او ماهیت بانک اسلامی را این چنین تبیین می‌کند «بانک اسلامی به مثابه مؤسسه‌ای است که در بخشی از معاملاتش به عنوان واسطه وجوه و در بخش دیگری که مهمترین بخش است به عنوان مؤسسه مالی عمل می‌کند» (موسویان، ۱۳۷۸، ص۲۲۸).

داوودی (۱۳۸۱) نیز با توجه به ضرورت تأمین مالی در نظام کنونی اقتصادی مهمترین کارکرد بانک متعارف را واسطه‌گری مالی می‌داند «اهمیت بانک غیراسلامی در زندگی اقتصادی مربوط به توانایی آن در گردآوری سرمایه‌های راکد از راه تشویق به پس‌انداز با دادن بهره و پرداختن آن‌ها به زمینه‌های سرمایه‌گذاری به عنوان وام می‌باشد». او نیز معتقد است که با تغییر چارچوب حقوقی بانکداری و استفاده از عقود اسلامی ماهیت بانک تغییر می‌کند. «در حقیقت می‌توان ادعا کرد که در شرایط فعلی سیستم بانکداری بر اساس عقود اسلامی شکل گرفته و بانک به عنوان یک نهاد مالی می‌تواند در تجهیز پس اندازها و هدایت منابع به امر سرمایه‌گذاری نقش مهمی ایفا کند و این با ماهیت سیستم بانکداری غربی که بر اساس معاملات ربوی شکل می‌گیرد متفاوت است». بر این اساس او معتقد است که بانک اسلامی همان نقش واسطه‌گری را دارد، اما نوع قراردادها و معاملاتی که در آن جریان دارد متفاوت از نوع معاملات و قراردادهایی است که در بانکداری ربوی حاکم است.

Archive of SID

www.SID.ir

همان‌گونه که در بخش دوم بیان شد، چگونگی تبیین ماهیت بانک رابطه مستقیمی با نوع نگاه به خلق پول بانک‌ها و چارچوب حاکم بر آن دارد. بر این اساس لازم است که در کنار تبیین اقتصاددانان مسلمان از ماهیت بانک، به تبیین آن‌ها از فرایند خلق پول نیز بپردازیم.

فرزین‌وش و فراهانی‌فرد (۱۳۸۱) و میرمعزی (۱۳۸۹) در راستای تحلیل نرخ ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی تقسیم‌بندی جامعی از آرای اندیشمندان اقتصاد اسلامی در خصوص نرخ ذخیره قانونی بیان کرده‌اند. بر اساس مطالب ایشان در مجموع می‌توان چهار نظر درباره نرخ ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی یافت:

- عدم لزوم نگهداری ذخیرهٔ قانونی در بانکداری اسلامی (توتونچیان، ۱۳۷۸)؛
- لزوم نگهداری ۱۰۰٪ ذخایر برای سپرده‌های جاری (قحف (۱۹۷۹، ص۱۵۵)، الجارحی (۱۹۸۰) و محسن‌خان (۱۳۷۰))؛
- لزوم نگهداری بخشی از سپرده‌ها به عنوان ذخایر قانونی (صدیقی(۱۹۸۳) و عفر(۱۹۸۰))؛
- نظام ذخیره قانونی جزئی ویژه (چپرا (۱٤۰۱)).

همه این اقتصاددانان مسلمان خلق پول بانک‌های تجاری را در چارچوب رویکرد ذخیره قانونی تحلیل می‌کنند و در راستای دستیابی به مدل مطلوب خود، اصلاحاتی در آن انجام می‌دهند، در حالی که این رویکرد با آنچه بانک‌ها در واقعیت انجام می‌دهند، فاصله دارد.

میرمعزی (۱۳۸۹) نیز پس از بیان نظارت اقتصاددانان مسلمان، با تبیین رویکرد ضریب فزاینده پول و نقش نرخ ذخیره قانونی و ذخایر بانک مرکزی در آن، چارچوبی را برای ذخایر بانکی معرفی می‌کند که در آن تنها سپرده‌های جاری دارای نرخ ذخیره قانونی هستند.

Archive of SID

www.SID.ir

موسویان و نظری (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای مشابه و مبتنی بر رویکرد ضریب فزاینده پولی به الگوی مطلوب ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی می‌پردازند. ایشان برای هر یک از سپرده‌های جاری، قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری ترتیبات متفاوتی پیشنهاد می‌کنند. اگر چه تغییرات الگوی ذخیره قانونی دلالت‌هایی برای خلق پول دارد، اما در هیچ یک از این دو مقاله خلق پول بانک‌های تجاری به عنوان یک موضوع مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. نکته حائز اهمیت که مربوط به این مقاله می‌شود، آن است که رویکرد مختار اقتصاددانان مسلمان در تحلیل خلق پول –رویکرد ضریب فزاینده– مؤید و سازگار با نگاه ایشان به ماهیت بانک به عنوان یک نهاد واسطه مالی است.

بر اساس آنچه در این بخش بیان شد، تلقی مشهور در میان اقتصاددانان مسلمان در باب ماهیت بانک متعارف یا ربوی آن است که بانک متعارف یک نهاد واسطه مالی یا همان واسطه وجوه است که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام به خلق پول می‌کند. به بیان دیگر بانک متعارف واسطه میان قرض دهندگان و قرض گیرندگان در اقتصاد است؛ به قرض دهندگان بهره (ربا) می‌پردازد و از قرض‌گیرندگان بهره (ربا) دریافت می‌کند. تلقی بانک به عنوان نهاد واسطه مالی مبنای طراحی مدل‌های بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی قرار گرفته است.

٤. ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی

بر اساس آنچه در بخش دوم و سوم مقاله بیان شد، می‌توان گفت که تلقی اقتصاددانان مسلمان –که آراء و نظریات آنها بررسی شد– از ماهیت بانک متعارف همچون تلقی بعضی از اقتصاددانان غربی، کامل نیست. اقتصاددانان مسلمان بانک متعارف را به عنوان یک نهاد واسطه مالی صرف در نظر می‌گیرند که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام خلق پول می‌کند. در رویکرد ضریب فزاینده بانک بخشی از سپرده‌هایی که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره بدست آورده است را به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را نیز تحت قرارداد قرض و در قبال دریافت بهره در اختیار

Archive of SID

www.SID.ir

متقاضیان قرار می‌دهد. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک متعارف، آنچه با آموزه‌های اسلام در تعارض قرار می‌گیرد، عقد (قرارداد) قرض مبتنی بر ربا است. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک است که بخش اعظم مطالعات بانکداری اسلامی معطوف به حذف ربا از ترتیبات بانکی شده است. بر این اساس در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان سپرده گذار و بانک و در سوی دیگر تسهیلات گیرنده با بانک، بانک بدون ربا یا اسلامی خواهیم داشت. بانک بدون ربا یا اسلامی وکیل سپرده‌گذار است و شریک سرمایه‌گذار (در عقود مشارکتی) می‌باشد. این رویکرد مبنای تدوین قانون عملیات بانکداری بدون ربا قرار گرفته است. در این قانون تلاش شده است که فرایند تجهیز و تخصیص منابع بانکی تحت عقود شرعی قرار گیرد و هیچ اشاره‌ای به خلق پول بانک‌های تجاری و تنظیم آن نشده است. اما این تلقی از ماهیت و جایگاه بانک با آنچه بانک‌ها در واقعیت انجام می‌دهند تفاوت دارد. بر اساس رویکرد درون‌زا به خلق پول، بانک متعارف قدرت و امکان خلق پول به صورت مستقل را دارد و بخش اعظم نقدینگی اقتصاد را خلق می‌کند. حجم نقدینگی (M2) –که مهمترین شاخص پولی حال حاضر ایران است– شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های بانکی – دیداری و غیر دیداری (سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و سایر سپرده‌ها) می‌شود. در جدول ۱ آمار مربوط به نقدینگی و اجزای آن در پایان اسفند ۱۳۹۲ نشان داده شده است.

جدول (۲): نقدینگی بر حسب پول و شبه پول در پایان اسفند ۱۳۹۲

اجزای نقدینگی	حجم (میلیارد ریال)	سهم از کل نقدینگی
اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	۳۳۵۲۹۸.۵	۵.٦
سپرده دیداری	۸۵۷۰۳۲.۳	۱٤.٤
شبه پول (سپرده‌های غیردیداری)	٤۷۵۵۵۲۲.۷	۸۰.۰
نقدینگی (M2)	۵۹٤۸۵۳.۵	۱۰۰.۰

مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۵

Archive of SID

www.SID.ir

جدول فوق نشان می‌دهد نزدیک به ۹۵٪ درصد حجم نقدینگی کشور توسط بانک‌های تجاری خلق شده است که این امر اهمیت نقش خلق پول توسط بانک‌ها در نظام ذخیره قانونی جزئی را نشان می‌دهد.

با توجه به ماهیت حقیقی بانک در اقتصاد –بانک به عنوان نهاد خلق پول– و جایگاه آن در خلق پول کشور، علاوه‌بر مسائلی که در خصوص قرض ربوی –که خود موضوع بسیار مهمی است– وجود دارد و می‌بایست در مطالعات بانکداری اسلامی مطرح گردد، سؤالات مهم دیگری نیز قابل طرح خواهد بود. حکم خلق پول بانک‌ها بر اساس موازین شریعت اسلامی چیست؟ آیا بانک با این ویژگی خاص (امکان خلق پول در جامعه) می‌تواند در یک جامعه اسلامی به فعالیت بپردازد؟ و یا خلق پول در جامعه اسلامی چگونه باید باشد، باید آن را به بانک‌ها سپرد و یا به بانک مرکزی و یا ترتیبات دیگری باید اتخاذ کرد؟

اهمیت پاسخ به این سؤالات و به عبارتی اهمیت موضوع با مرور نظرات برخی از اقتصاددانان غربی درباره خلق پول بانک‌ها بیشتر روشن خواهد شد. ویژگی اساسی نظام ذخیره قانونی جزئی خلق پول بانک‌ها از طریق وام‌دهی و سرمایه‌گذاری مستقیم است. نتیجه این ترتیبات آن است که در چنین نظامی فرایند وام‌دهی و خلق پول به هم پیوند می‌خورد و به نوعی حجم پول در اقتصاد وابسته به شرایط اقتصادی خواهد شد. پس از بحران بزرگ ۱۹۲۹ که اثرات عمیقی بر اقتصاد کشورها داشت، برخی از اقتصاددانان غربی خلق پول بانک‌ها در نظام بانکداری با ذخیره جزئی –که در حال حاضر نیز در همه کشورهای دنیا رایج است– عامل موجده و یا تشدید کننده بحران دانستند.

ایروینگ فیشر (۱۹۳٦، صص۸–۹) بی‌ثباتی پول در نظام ذخیره قانونی جزئی را عامل تشدید نوسانات اقتصادی و ایجاد بحران می‌داند «یکی از حقایق فوق‌العاده در بحران اخیر از میان رفتن[۴۳] هشت میلیارد دلار یعنی حدود یک سوم –پول مبتنی بر

Archive of SID

www.SID.ir

چک[۴۴]- سپرده‌های دیداری بوده است. این نتیجه طبیعی نظام ذخیره جزئی کوتاه‌مدت بی‌ثبات ما بود و البته دلیل اصلی شدت گرفتن بحران».

اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو (سیمونز[۴۵]، مینتس[۴۶]، دایرکتور[۴۷]، نایت[۴۸]، شولتز[۴۹]، داگلاس[۵۰]، هارت[۵۱] و بعضی دیگر) در قالب برنامه شیکاگو[۵۲] پس از بحران بزرگ ۱۹۲۹ برنامه‌های اصلاح پولی را پیشنهاد کردند که محور آن‌ها حذف امکان خلق پول بانک‌ها بود (دی سوتو[۵۳]، ۲۰۱۲، ص۷۳۱).

فریدمن[۵۴] (۱۹۵۹، صص۶۸-۶۹) نظامی پولی را که در آن بانک‌ها امکان خلق پول دارند، ذاتاً بی‌ثبات می‌داند. «در نظام بانکداری با ذخیره جزئی، عاملان اقتصادی یا بانک به دنبال تأثیر بر حجم کل پول نیستند و این تغییرات کاملاً اتفاقی و ناخواسته است. این تغییرات در واقع اثرات جانبی هستند که البته نتایج نامطلوب اقتصادی- بحران‌های نقدینگی گسترده که شامل هجوم بانکی[۵۵]، بحران بانکی[۵۶] و تعلیق تبدیل سپرده به اسکناس و مسکوک در شدیدترین حالات- را به‌دنبال دارد. البته در حال حاضر با بیمه فدرال سپرده‌ها، اثرات جانبی بسیار شدید همچون بحران‌های نقدینگی گسترده، عملاً غیرمحتمل است. اما بهبودی این نقص نظام بانکداری با ذخیره جزئی به بهای تشدید نقص دیگر است. بیمه فدرال سپرده‌ها، باعث افزایش مداخله دولت در فرایند وام‌دهی و سرمایه‌گذاری می‌شود. صرف‌نظر از بحران‌های نقدینگی گسترده، نسبت پول رایج[۵۷] به سپرده و نسبت سپرده به ذخایر همواره در حال تغییر است که آشفتگی‌هایی[۵۸] را در رفتار حجم پول ایجاد می‌کند».

علاوه‌بر آثار خلق پول بانک‌ها بر ایجاد و یا تشدید نوسانات ادوار تجاری برخی از اقتصاددانان معتقدند که این نظام اثرات توزیعی نیز دارد. به بیان دیگر خلق پول بانک‌ها توزیع بهره‌مندی‌های اقتصادی را نیز تغییر می‌دهد. موریس اله[۵۹] برنده جایز نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۸ فعالیت خلق پولی که توسط بانک‌ها اتفاق می‌افتد را همچون جعل اسکناس و وام دادن آن در مقابل بهره می‌داند. به بیان دیگر اله بیان می‌کند که

Archive of SID

www.SID.ir

خلق پول توسط بانک‌ها نوعی جعل و دزدی به شمار می‌رود که البته به صورت قانونی تحت نظام ذخیره قانونی جزئی شکل می‌گیرد. «در واقعیت، معجزه‌ای که از طریق اعتبار رخ می‌دهد به طور اساسی قابل مقایسه با آن چیزی است که جاعلان[۶۰] با وام دادن اسکناس‌های تقلبی‌شان در مقابل دریافت بهره انجام می‌دهند. در هر دو مورد، اثر تحریکی بر اقتصاد یکسان است و تنها تفاوت در آن است که چه کسی نفع می‌برد» (به نقل از فیلیپس،۱۹۹۲) راثبرد[۶۱] (۲۰۰۱، صص٤٤-٤٥)، نیز به خلق پول بانک‌های تجاری در چارچوب نظام بانکداری با ذخیره جزئی نگاه منفی دارد. «به نظر من انتشار تعهدات به پرداخت آنی[۶۲] [پول‌های سپرده‌ای] بیشتر از مقدار کالاهای در دسترس، تقلب و دزدی[۶۳] است و لذا باید توسط نظام حقوقی در نظر گرفته شود. به طور خلاصه من معتقد هستم نظام بانکی مبتنی بر ذخیره قانونی جزئی فاجعه‌ای هم برای اخلاق و هم برای پایه‌ها و نهادهای اساسی اقتصاد بازار است».

بیان نظرات اقتصاددانان درباره خلق پول صرفاً از این جهت است که بیان شود خلق پول بانک‌ها موضوعی است که برای اقتصاددانان بزرگی چون فیشر، فریدمن و اله که جایزه نوبل را دریافت کرده‌اند، اهمیت داشته است و البته بررسی صحت و چگونگی اثرگذاری خلق پول بانک‌ها بر نوسانات ادوار تجاری و توزیع درآمد نیاز به تحقیق مستقلی دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد که مطالعه جدی درباره ماهیت و امکان خلق پول در بانک‌ها و چگونگی تنظیم[٦٤] آن در بانکداری اسلامی و به بیان دیگر طراحی یک نظام بانکداری اسلامی با توجه به ماهیت اساسی بانک‌ها یعنی امکان خلق پول ضرورت داشته باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال آن بودیم که تلقی اقتصاددانان مسلمان که در حوزه بانکداری اسلامی مطالعه می‌کنند، از ماهیت و نقش بانک در اقتصاد متعارف را تحلیل کنیم. ایشان در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده، ماهیت بانک متعارف را یک واسطه مالی در نظر

Archive of SID

www.SID.ir

می‌گیرند که منابعی را قرض می‌گیرد و آن را به افرادی دیگر قرض می‌دهد. بر این اساس مهمترین مشکل نظام بانک‌داری غربی پرداخت و دریافت بهره (ربا) در فرایند واسطه‌گری مالی است و لذا ایشان بخش مهمی از مطالعات خود را به این اختصاص داده‌اند که چگونه بهره را از عملیات بانکی حذف کنند و این نوع نگاه در قانون عملیات بانکی بدون ربا تبلور یافته است.

بر اساس تحلیلی که از ماهیت بانک متعارف در بخش دوم مقاله شد، بانک تفاوت اساسی با نهادهای واسطه مالی دارد. مک‌لی و دیگران (۲۰۱٤) در نشریه بانک مرکزی انگلستان بیان می‌کنند که بانک‌های متعارف قدرت و امکان خلق پول از هیچ را دارند و خلق پول بانک‌ها –آن چنان که در رویکرد ضریب فزاینده بیان می‌شود– متوقف بر جذب سپرده اولیه نیست. این ویژگی بانک‌ها را از نهادهای واسطه مالی متمایز می‌کند، چرا که نهادهای واسطه مالی برای سرمایه‌گذاری و یا ارائه تسهیلات، نیاز به جذب منابع دارند. اقتصاددانان مسلمان به دلیل اتخاذ رویکرد ضریب فزاینده به خلق پول که با ماهیت بانک به عنوان واسطه مالی یا واسطه وجوه سازگار است، به جای تحلیل خلق پول به عنوان یک موضوع مستقل، به تحلیل نرخ ذخیره قانونی و الگوی مطلوب آن پرداخته‌اند.

بانک در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نهاد خلق پول درونی در اقتصاد است که این کارکرد مهم را از طریق وام‌دهی و خرید دارایی انجام می‌دهد. در حال حاضر نزدیک به ۹۵٪ حجم نقدینگی در ایران از طریق بانک‌ها خلق شده است و بانک مرکزی تنها حدود ۵٪ نقدینگی را خلق کرده است. با توجه به اهمیت خلق پول بانک‌ها و آثار آن برای دستیابی به یک نظام بانکی اسلامی ضروری است، تلقی اقتصاددانان مسلمان نسبت به ماهیت بانک و کیفیت خلق پول تغییر کند و بانک متعارف به عنوان نهاد خلق پول در نظر گرفته شود و در ادامه زنجیره‌ای از مطالعات درباره امکان خلق پول بانک‌ها در اقتصاد اسلامی و چگونگی تنظیم آن بر اساس معارف اسلامی صورت گیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

یادداشت‌ها

۱. بانک شاهنشاهی ایران به عنوان اولین بانک دارای مجوز از سوی حکومت ایران، در سال ۱۲٦۸ شمسی با حق انحصاری انتشار اسکناس تأسیس شد و به عملیات بانکی پرداخت (رضوی، ۱۳۹۳، ص۱۵۹).

2. Jackson & Dyson
3. Fisher
4. Deposit Banking
5. Bank Money
6. Specie
7. Regulation
8. Bullionist Controversy
9. Laidler
10. Currency School
11. Currency Principle
12. Convertibility
13. Humphrey
14. Robert Peel
15. Bank of England
16. Von Mises
17. Currency School
18. Banknotes
19. Von Mises
20. Deposit Money
21. De Soto
22. Fractional Reserve Banking
23. Outside Money
24. High Powered Money
25. Inside Money
26. Deposit Money
27. Mishkin
28. The Economics of Money, Banking and Financial Markets
29. Financial Intermediaries
30. Money Multiplier Approach
31. Mankiw
32. Intermediaries
33. Goodhart
34. Moore
35. Endogenous Money Theory

Archive of SID

www.SID.ir

36. Schumpeter
37. Manufacturer
38. Purchasing Power
39. Werner
40. Out of Nothing
41. McLeay et al.
42. Bank of England
43. Destruction
44. Check Book Money
45. Simons
46. Mints
47. Director
48. Knight
49. Schultz
50. Douglas
51. Hart
52. Chicago Plan
53. De Soto
54. Friedman
55. Bank Run
56. Banking Panics
57. Currency
58. Perturbations
59. Maurice Allais
60. Counterfeiters
61. Rothbard
62. On Demand
63. Fraud
64. Regulation

کتابنامه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۵.

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران: انتشارات توانگران.

Archive of SID

www.SID.ir

داوودی، پرویز (۱۳۸۱)، «مبانی نظری پول و بانک در اسلام»، چاپ شده در مجموعه مقالات فارسی دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی زیر نظر محمد واعظزاده خراسانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

رضوی، مهدی (۱۳۹۳)، *بانکداری اسلامی در ایران، تاریخچه، عملکرد و برنامه‌ریزی*، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

صدر، محمدباقر (۱۳۸۰)، *البنک اللاربوی فی الاسلام*، ترجمه سیدیحیی علوی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

فرزین‌وش، اسدالله و فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱)، «ذخیره قانونی بر سپرده بانکی (ماهیت حقوقی و کارکرد اقتصادی)»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۷، صص ۲۱-۵۰.

موسویان، سیدعباس (۱۳۷۸)، *بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

موسویان، سیدعباس و علی نظری (۱۳۹۲)، «الگوی مطلوب ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲، صص ۷-۲۶.

میرآخور، عباس و باقر الحسنی (۱۳۷۱)، *مقالاتی در اقتصاد اسلامی (روش اسلام در حل مسائل اقتصادی)*، ترجمه حسن گلریز، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸٤)، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۷، صص ٤٥-۸٤.

Fisher, I. (1936), 100% Money and the Public Debt, Published Without Copyright Notice in the Economic Forum Spring Number, pp. 406-420 (also Published 2009 by Michael Schemmann, Thai Sunset Publications).

Friedman, M. (1959), A Program for Monetary Stability, New York: Fordham University Press.

Goodhart. C. (1984), Monetary Policy in Theory Alld Practice. London: Macmillan.

Humphrey, T. M. (1974), "the Quantity Theory of Money: its Historical Evolution and Role in Policy Debates", *FRB Richmond Economic Review*, 60, pp. 2-19.

Jackson, A., & Dyson, B. (2012), Modernising Money: Why our monetary system is broken and how it can be fixed. Positive Money.

Laidler, D. (1992), Bullionist Controversy, in the New Palgrave Dictionary of Money & Finance, Edited by Newman, P. and et al, London: the Macmillan Press Limited, Vol. I, pp. 255-261.

Mankiw, G. (2011), Essentials of Economics, 6th ed., Mason: South- Western Cengage Learning.

Archive of SID

www.SID.ir

McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), Money creation in the modern Economy. Bank of England Quarterly Bulletin, Q1.

Mises, L. V. (1990), Money, Method, and the Market Process. Alabama: Ludwig Von Mises Institute.

Mishkin, F. (2004), the Economics of Money, Banking and Financial Markets, 7th ed., US: The Addison-Wesley series in economics.

Moore, B. J. (1983), "Unpacking the post Keynesian Black Box: Bank Lending and the Money Supply", *Journal of Post keynesian Economics*, pp. 537-556.

Phillips, R. J. (1992), Credit Markets and Narrow Banking, the Jerome Levy Economics Institute Working Paper, No. 77, (Annandale-on-Hudson: The Jerome Levy Economics Institute of Bard College).

Rothbard, M. N. (2001), the Case for a 100 Percent Gold Dollar. Ludwig von Mises Institute.

De Soto, J. H. (2012), Money, Bank Credit, and Economic Cycles, Alabama: Ludwig von Mises Institute.

Werner, R. A. (2014), "Can Banks individually Create Money out of Nothing? the Theories and the Empirical Evidence", *International Review of Financial Analysis*, no 36, pp. 1-19.

Archive of SID

www.SID.ir

Islamic Economics Studies, Vol. 8, No. 2 (Serial 16), Spring & Summer 2016

The Nature of Bank and its Implications for Islamic Banking Studies

Sayyed Mahdi Hossini Dolatabadi*

Received: 03/08/2015
Accepted: *01/20/2016*

The first step for designing an Islamic bank is to understand the nature and role of conventional or western bank completely. In other words, if the subject in not understood, it is impossible to infer its sentence. The current understanding of the bank nature among the Islamic banking scholars is that a western bank is a financial intermediary which collects people's savings as a deposit and offers interest or services and then makes loan with these funds and receive interest. In this approach, the loan with interest contradicts to Islamic teachings, so Islamic banking studies focus on eliminating the interest (Reba) from the arrangements and rules of conventional banking. In this paper according to the investigating the evolution of bank and its arrangements and economic literatures about banking, we show that conventional bank is an institution of money creation in an Economy, and reducing it to a financial intermediary isn't correct. So according to the role of money in an Economy and the effects of money creation of banks in it, this understanding of bank nature must be considered as a basis for designing and establishing an Islamic banking system.

Keywords: Bank, Islamic Banking, Money Creation, Financial Intermediaries

* PhD. Candidate in Economics, Faculty of Economics, Tehran University, m.hooseini@ut.ac.ir

Archive of SID

www.SID.ir